

# حماسه‌ی بهمن شاه‌نامه

(ادامه‌ی روایت داراب‌نامه، مجلد چهارم)  
بر اساس نسخه‌ی کتابخانه‌ی وین اتریش

مسنوب به محمد بی‌غی

تصحیح و تحقیق

میلاذ جعفری‌پور و جنتین اسماعیلی



به نام خدا

ناشر برگزیده  
هفدهمین، بیستمین، بیست و دومین،  
بیست و سومین و بیست و چهارمین  
نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران

# حماسه‌ی بهمن شاه‌نامه

(ادامه‌ی روایت داراب‌نامه؛ مجلد چهارم)  
بر اساس نسخه‌ی کتابخانه‌ی وین اتریش

منسوب به محمد بیغمی

تصحیح و تحقیق  
میلاد جعفرپور و حسین اسماعیلی





ای یاد تو مونس روانم  
جز نام تو نیست بر زبانم

کنون یاد یارانی را زنده می‌کنیم که سرمایه‌ی دانش و عمری تلاش را  
سخت‌و‌تمندانه نثار سرزمین‌شان کردند

استادان

دکتر پرویز ناتل خانلری

دکتر محمدجعفر محجوب

دکتر ذبیح‌الله صفا

و

استاد ایرج افشار را

## سپاسگزاری

در این ساعات، روزگاری است که توفیق آشنایی با ادب‌دانانی دانشور را داشته و سعادت حصول معرفت و نظرات علمی ایشان را با خود همراه دیده‌ام. همواره بر خود خواهم دانست که از استاد دانشور و جوانمرد روزگارم، جناب آقای دکتر حسین اسماعیلی، به واسطه‌ی گفتارهای علمی، روشمند و جهت‌ساز ایشان سپاسگزار و منت‌دار باشم؛ طرفه آنکه در راه عرضه‌ی طبعی‌آبرومند از بهمن‌شاه‌نامه، شاگردنوازی فرمودند و نسخه‌ی روایت را از کتابخانه‌ی وین اتریش تهیه نمودند و در پیمودن راه ناهموار انجام این تصحیح، یاری وفاق، راهنمایی بی‌گانه و مشوقی هم‌آواز بودند. حُسن نظر و یاری جناب آقای دکتر محمد جعفری قنواتی، استاد محترم مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، را ارج می‌نهم که در استفاده از کتابخانه‌ی آن مرکز، تصدیع گاه و بی‌گاهم را مراعات کردند. در فرجام، از تلاش و پیگیری‌های بی‌دریغ مدیر دانشور و ادب‌پرور انتشارات علمی و فرهنگی، جناب آقای دکتر مسعود کوثری، و همکاران محترم ایشان در بخش‌های ویراستاری، صفحه‌آرایی و تولید و همچنین از دوست شفیق خود، جناب آقای دکتر روح‌الله خادمی، کمال امتنان و سپاسگزاری را دارم که در انتشار این اثر به صورتی شایسته و آراسته، سهمی بسزا و ستودنی داشتند. تا حشر فذالک بقاشان.

میلاذ جعفری‌پور

فرخ دیار کرج / مهر ۱۳۹۴



## فهرست مطالب

۱	فصل اول: متن شناسی .....
۱	بیان موضوع .....
۴	چند نسخه با عنوان قصه‌ی فیروزشاه .....
۴	نسخ کوتاه یا متوسط .....
۷	نسخ مفصل .....
۸	ترجمه‌های داراب‌نامه .....
۸	ترجمه‌ی عربی .....
۸	ترجمه‌ی انگلیسی .....
۹	ترجمه‌ی ترکی .....
۱۱	مترجم روایت ترکی داراب‌نامه .....
۱۱	مشخصات نسخه‌ی بهمن‌شاه‌نامه .....
۱۵	چکیده‌ی داراب‌نامه .....
۱۵	بخش فیروزشاه‌نامه (مجلد اول و دوم) .....
۲۲	افتادگی‌های میان دو بخش .....
۲۲	رویدادهای کوه قاف .....
۲۲	رویدادهای روم و قسطنطنیه .....
۲۳	رویدادهای ختا و ختن .....
۲۴	رویدادهای چین و ماچین .....

۲۵	بخش فیروزشاه‌نامه و بهمن‌شاه‌نامه (مجلد سیوم)
۲۹	بخش بهمن‌شاه‌نامه (مجلد چهارم)
۳۵	پیشینه‌ی تحقیق در داراب‌نامه و فیروزشاه‌نامه
۳۶	مقالات
۳۸	پایان‌نامه‌ها
۴۱	کتاب‌ها
۴۳	دانشنامه‌ها

۴۵	<b>فصل دوم: شناخت‌نامه‌ی راوی و یافته‌ها</b>
۴۵	ابوطاهر طرسوسی
۴۷	روایات ابوطاهر طرسوسی
۴۷	منابع ایران باستان
۴۸	داراب‌نامه
۵۰	تاریخ اسکندری
۵۳	قهرمان‌نامه
۵۳	عیارنامه
۵۴	قران حبشی
۵۴	تاریخ ایران اسلامی
۵۵	ابومسلم‌نامه
۵۷	مسیب‌نامه
۵۸	جنگ‌نامه‌ی محمد حنفیه
۵۹	تواریخ‌نامه
۶۰	جنگ‌نامه‌ی امام زین‌العابدین (ع) یا محمد حنفیه
۶۰	مقتل حسینی
۶۲	یافته‌های بهمن‌شاه‌نامه
۶۲	نسبت برادری فیروزشاه، دارا و اسکندر
	فشردگی و افتادگی داراب‌نامه‌ی طرسوسی و صحت انتساب عنوان
۶۶	داراب‌نامه بر ترجمه‌ی بیغمی
۷۴	بیغمی، مترجم حماسه‌ی داراب‌نامه

شبهات بخش‌هایی از داراب‌نامه و قران حبشی و احتمال انتساب این  
روایت به طرسوسی ..... ۷۶

فصل سوم: متن روایت ..... ۸۳

کتابنامه ..... ۴۴۵

فهارس ..... ۴۵۵

واژگان ..... ۴۵۷

اشخاص ..... ۴۶۱

نام‌جای‌ها ..... ۴۶۷

امثال و کنایات ..... ۴۶۹

کشف‌المصاریع ..... ۴۷۱

مجموعه تصاویر ..... ۴۷۹

## فصل اول: متن‌شناسی

### بیان موضوع

پس از گذشت روزگاری چند از انتشار روایت شکوهمند سمک عیار و داراب‌نامه‌ها به همراه ابومسلم‌نامه، حاتم‌نامه، اسکندرنامه، حمزه‌نامه، امیرارسلان، حسین کرد شبستری<sup>۱</sup> و انتشار قران حبشی، مسیب‌نامه<sup>۲</sup> و زمجی‌نامه<sup>۳</sup> در آینده‌ای نزدیک، به ثمر نشستن سرمایه‌ای عظیم از یک جریان ادبی مهم را در تاریخ ادبیات فارسی ناظریم که با وجود همه‌ی تندبادهای و کزرفتاری‌های زمان، پیوند ذهنی و عاطفی عمیق ایرانیان نسبت به فرهنگ و ادب دیرینه‌سال خود تا سال‌ها مایه و ضمان حفظ این شاهکارها از غریبال ملالت روزگار بوده است.

هرچند تلاش مصححان در مسیر ناهموار تحقیق بر میراث کهن

---

۱. ذیل این قبیل روایت‌های داستانی مصحح، می‌توان از برخی متون دیگر، نظیر مختارنامه، رستم‌نامه، قهرمان‌نامه، شیرویه نامدار و... نیز نام برد که به صورت غیرعلمی و نامطلوب تصحیح شده‌اند.

۲. تصحیح روایت‌های قران حبشی و مسیب‌نامه موضوع بخشی از رساله‌ی دکتری میلاد جعفرپور است که از این میان، قران حبشی منتشر شده و کار تصحیح حماسه‌ی دینی مسیب‌نامه نیز به پایان رسیده است.

۳. زمجی‌نامه، دنباله‌ی منطقی روایت ابومسلم‌نامه‌ی ابوطاهر طرسوسی است که تصحیح آن به همت استاد حسین اسماعیلی انجام پذیرفته است.

روایت‌های داستانی وضعیت نسبتاً مطلوبی داشته، راست آن است که پژوهش در این زمینه، از بُعد نظری پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نکرده و اگر دقیق‌تر بنگریم، شاید یک گفتار مستقل و تحلیلی نیز در زمینه‌ی شناخت این روایت‌ها منتشر نشده باشد. عمق کم‌توجهی نسبت به این جریان ادبی را در دانشگاه‌ها نیز می‌توان به وضوح مشاهده کرد. وقتی از میان ۱۸۰ واحد درسی دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی، واحدی برای تدریس روایت‌های داستانی اختصاص پیدا نکند، طبیعی است که وضعیت فعلی همچنان ادامه پیدا خواهد کرد.

در گنج خوب این شرایط منفعل هم، عرضه‌ی این مجموعه‌ی ارزشمند از روایت‌های داستانی، فتح باب خوب و مؤثری برای محققان بوده است؛ زیرا از سویی، توجه به ماهیت زبانی و محتوایی روایت‌های داستانی فارسی، رفته‌رفته تلقی و انگاشت عامیانه بودن این متون را متزلزل کرده است<sup>۱</sup> و از جانب دیگر، گذشت زمان، همراه با افزونی شمار روایاتی که از این جریان منتشر می‌شوند، مخاطبان را نسبت به مسئله‌ی مهم مبهم بودن نوع ادبی این روایات متوجه ساخته و این حالت به نوبه‌ی خود، جریان تحقیق در روایت‌های داستانی را خواه ناخواه بهبود بخشیده و نویدبخش فردایی پُرفروغ خواهد بود؛ تا باد چنین بادا.

روایتی که پس از این گفتار، با عنوان بهمن‌شاه‌نامه حضور ادب‌دوستان ارجمند عرضه خواهد شد، بخش سوم و مجلد چهارم از دازاب‌نامه‌ای است که نخست بار، در دو جلد و به سعی جاودان مرحوم استاد ذبیح‌الله صفا و بخش دوم آن با عنوان فیروزشاه‌نامه به پامردی مرحوم استاد ایرج افشار و آقای مهران افشاری منتشر شده است.

۱. برای نخستین بار استاد جلال خالقی مطلق در پژوهشی روایت‌های مورد نظر ما را، تحت عنوان «حماسه‌های گفتاری - بدیهی منثور» معرفی کرده‌اند (← خالقی مطلق، ۱۳۸۶: ۱۴۴، ۱۶۰، ۱۸۷، ۱۹۳). هم‌زمان در گفت‌وگویی، استاد حسین اسماعیلی از دلایل عامیانه نبودن این متون سخن گفته‌اند (← اسماعیلی، ۱۳۸۶: ۴۰-۵۲). پس از ایشان استاد محمود امیدسالار در دانشنامه‌ی جهان اسلام، ضمن تأکید بر لزوم ارائه‌ی تعریفی جامع از نوع ادبی حماسه در ایران، روایت‌های مورد بحث را حماسه دانسته‌اند (امیدسالار، ۱۳۸۹: ۱۴/۹۲).

بنا بر دلایلی که ضمن این گفتار مطرح خواهد شد، «داراب‌نامه» در واقع عنوانی صحیح برای کوده‌ای عظیم از اخبار و روایات خاندان پادشاهی داراب می‌تواند بود که احتمالاً بخش اعظم، ولی خلاصه‌شده‌ی آن تحت عنوان داراب‌نامه‌ی طرسوسی به جا مانده و حدس زده می‌شود که بخش‌های متروک دیگر نیز با عنوان داراب‌نامه، فیروزشاه‌نامه و بهمن‌شاه‌نامه توسط محمد بیغمی، ولی از روی روایت‌های عربی گردآوری، ترجمه و تدوین شده و به دست مخاطبان رسیده و با قیاس شواهد به دست آمده در آثار طرسوسی و داراب‌نامه‌ی ترجمان بیغمی، راوی حقیقی روایت ترجمه‌شده‌ی بیغمی، به احتمال کسی جز ابوطاهر طرسوسی نخواهد بود. شوربختانه دنباله‌ی روایت طولانی داراب‌نامه، در بخش بهمن‌شاه‌نامه نیز همچنان ناتمام بر جای مانده و بایسته است که در پی بخش یا بخش‌های پایانی این روایت متین بود.

مطلبی که در این زمینه به اشتباه و شاید به جهت غلبه‌ی نگاه تاریخی به روایتی داستانی، مشهور و شایع شده و لازم است پیش از ورود به بحث اصلی ذکر شود، همسان‌انگاری داراب کهین یا دارا با فیروزشاه است. هرچند آقای افشاری بدین سهوا اشاره‌ای نموده‌اند، ولی در بخش‌های بعدی، بیشتر به دلایل نادرستی آن پرداخته خواهد شد:

«داراب‌نامه‌ی بیغمی سرگذشت فرزند داراست<sup>۱</sup>، یعنی همان شاهزاده‌ای که در داراب‌نامه‌ی طرسوسی، داراب کهین و در این کتاب، فیروزشاه نامیده شده است. به عقیده‌ی نگارنده، مؤلف این کتاب از داراب‌نامه‌ی طرسوسی مطلع بوده و احتمالاً این داستان را به صورت روایتی از داستان نخستین ساخته است» (امیدسالار، ۱۳۸۸: ۱۱۸/۳؛ همو، ۱۳۹۰: ۱۶/۶۶۹؛ بیغمی، ۱۳۸۱: ۱/هفت؛ محبوب، ۱۳۸۷: ۶۸۶).

---

۱. احتمالاً سهو چاپی است، اگر نه که بر اساس روایت، فیروزشاه، فرزند داراب است و نه دارا؛ دارا برادر فیروزشاه است؛ هرچند که در تواریخ، تسامح در ذکر دارا و داراب وجود دارد. این مورد یکی از مصداق‌هایی است که در پژوهش‌ها مشاهده خواهد شد. در توصیف یک روایت داستانی، بهتر است محقق برای مخاطب مشخص کند که آیا از دید تاریخی، شخصیت‌های داستان را معرفی می‌کند یا بر اساس متن روایت!

«محبوب نیز در مقاله‌ی خود پاره‌ای از مطالب مجلد نخست داراب‌نامه‌ی بیغمی را نقل کرده و بر اساس اشتباه دکتر صفا، او نیز پنداشته است که فیروزشاه در این کتاب، جایگزین دارای دارایان یا همان داراب دوم شده است. در صورتی که متن حاضر نشان می‌دهد که فیروزشاه برادر داراب دوم است» (بیغمی، ۱۳۸۸: ۲۲).

### چند نسخه با عنوان قصه‌ی فیروزشاه نسخ کوتاه یا متوسط

مرحوم استاد محمدجعفر محبوب در پایان گفتاری با عنوان «داراب‌نامه» نکته‌ای در اشاره به چند نسخه از فیروزشاه‌نامه بیان داشته‌اند: «در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی ملی پاریس از چند نسخه‌ی خطی کتابی به نام قصه‌ی فیروزشاه یاد شده است. بنده را در هنگام تسوید این اوراق، کتاب در دسترس نبود و نتوانست به حقیقت بداند که آن کتاب را با داراب‌نامه نزدیکی و پیوندی هست یا نه» (محبوب، ۱۳۸۷: ۷۰۰). با مراجعه به فهرس نسخ فارسی بلوشه، تنها در جلد چهارم، یک نسخه‌ی فارسی و نه چند نسخه، با عنوان قصه‌ی فیروزشاه<sup>۱</sup> به شماره‌ی (supplement 1520) در ۳۹ برگ به دست آمد و پس از مطالعه‌ی نسخه، توسط استاد اسماعیلی مشخص شد که این روایت، داستانی است کوتاه که مضمون آن به صورت فشرده و متفاوت در داستان‌های محلی نیز آمده و طرح روایت به شرح احوال سه برادر و شایستگی و کاردانی برادر کهن، فیروزشاه، می‌پردازد و احتمالاً الگوی آن از داستان فریدون فرخ و شایستگی ایرج در میان سه فرزند او گرفته شده است. به این ترتیب، همچنان‌که دکتر محبوب حدس زده بود، این روایت تنها تشابه‌عنوانی با فیروزشاه‌نامه دارد. اشاره‌ی کوتاهی هم که کلوزتن از این روایت به دست داده، این مطلب را تأیید می‌کند (← کلوزتن، ۲۰۱۳: ۵۷۱)؛ ولی قید «چند نسخه بودن» فیروزشاه‌نامه هنوز مبهم باقی مانده است. در ادامه‌ی بررسی‌ها، اطلاعاتی از وجود چند نسخه‌ی کم‌برگ دیگر، تحت عنوان

1. *Histoire de Firouz Shah* (Blochet, 1934: 4/62-63).

مشابه قصه‌ی فیروزشاه به دست آمد؛ ولی بنا بر دلایل صامت و ناطق، دسترسی به برخی از آن‌ها میسر نشد.

در فهرست نسخ خطی کتابخانه‌ی بادلیان، مجموعه‌ای تحت عنوان کتاب داستان<sup>۱</sup> به شماره‌ی (۴۵۹) مورخ ۹۷۲ ق ثبت شده که متشکل از چهار داستان است. عنوان روایت دوم این مجموعه «داستان فیروزشاه» ذکر شده و در میان برگ‌های [۶۹ ب تا ۸۹ الف] کتابت شده است. با مطالعه‌ی سطرهای ابتدایی این روایت متوجه شدیم که به چیزی جز یک تشابه عنوانی دست نیافتیم:

اول بنام آن که بکس نیست مشترک. آن خالق خلایق و آن ملک ملک... درهم کشیده شقه ایوان نه فلک. شهسواران میدان نکته پروری و صدرنشینان مجلس سخن‌وری و مشاطه‌گان حجله سخن و زیورآرایان اخبار نو و کهن نقاب از روی شاهد معنی چنین برداشته‌اند که در زمان ملک اشرف که بر سر تیمور رفته بود در هندوستان پادشاهی بود که اورا فیروزشاه گفتندی.

در جلد دوم فهرست ایوانف از نسخ جامعه‌ی آسیایی بنگال، نسخه‌ای با عنوان قصه‌ی فیروزشاه<sup>۲</sup> به شماره‌ی (۳۱۲) مورخ ۱۲۰۷ ق در ۳۴ برگ آمده است. شرح آن چنین است: «داستان اعمال حیرت‌آور پسر پادشاه بدخشان فیروزشاه است که به علی نوروزخان نسبت داده شده است». تعداد برگ‌ها دو برابر روایت پیشین است، ولی اینجا فیروز، شاهزاده‌ی بدخشان است و نه شاه هندوستان.

در فهرست نسخ خطی کتابخانه‌ی آسیایی بنگال، روایتی یک جلدی به زبان فارسی با عنوان قصه‌ی فیروزشاه<sup>۳</sup> به شماره‌ی (۱۳d) نگهداری می‌شود. خط آن نستعلیق و تاریخ کتابت آن ۱۲۰۷ ق ذکر شده و مطابق توضیحات فهرست‌نویس روایت افتادگی ندارد. با توجه به اینکه تاریخ کتابت فیروزشاه‌نامه‌ی تصحیح استاد افشار ۱۲۰۱ ق است، این مجلد نیز با اختلاف شش‌ساله‌ی کتابت آن، احتمال دارد ادامه‌ی منطقی

1. *Kitab-i-Dastan* (Sachau & Ethe, 1889: 1/431).

2. *Qissa-i Fairuz Šāh* (Ivanow, 1928: 2/80).

3. *Qissak-i-Firúz shah* (Ashraf Ali, 1890: 45).



فیروز‌شاه‌نامه باشد؛ اما بررسی بیشتر نسخه‌ی مذکور، به فرصتی دیگر موکول شد.<sup>۱</sup>

در مجموعه‌ی نسخ خطی انجمن پادشاهی آسیایی لندن، نسخه‌ای قرن سیزدهمی به زبان فارسی با عنوان قصه‌ی فیروز‌شاه به شماره‌ی (Or. 5075) نگهداری می‌شود (دانش پژوه و افشار، ۱۳۴۴: ۴/۶۷۰).

نسخه‌ای ۸۳ برگه‌ی با عنوان قصه‌ی فیروز‌شاه<sup>۲</sup> به شماره‌ی (Vollers 01-0962) در مجموعه‌ی نسخ اسلامی کتابخانه‌ی دانشگاه لایپزیک آلمان نگهداری می‌شود. ابعاد نسخه (۱۵,۵ × ۲۲ سم) و ابعاد فضای متن (۹,۱ × ۱۷,۵ سم) است. هر صفحه‌ی نسخه سیزده سطر دارد. فهرست نویسنده وضعیت نسخه را کامل اعلام کرده است. پس از تهیه‌ی تصاویر این نسخه نیز دریافتیم که همچون دیگر رساله‌های کوتاه فیروز‌شاه‌نامه، داستانی در بیان لیاقت‌ها و رشادت‌های شاهزاده‌ای هندوست.

در فهرست دست‌نوشته‌های کتابخانه‌ی کمبریج، نسخه‌ای یک‌جلدی با عنوان قصه‌ی فیروز‌شاه<sup>۳</sup> به شماره‌ی (Or. 1071) در دست است و فهرست نویسنده آن را حماسه‌ای فارسی ارزیابی کرده است. این نسخه‌ی ۵۵ برگه‌ی به خط نستعلیق خوش‌خوانی و بنا بر گزارش آربری، تاریخ استنساخ آن متأخر است و به پس از قرن دوازدهم بازمی‌گردد. نسخه‌ی مذکور از طرف والتر سیبلد ادیه<sup>۴</sup> به کتابخانه اهدا شده است. احتمال دارد که این نسخه، بخش نویافته‌ی دیگری از فیروز‌شاه‌نامه باشد.

در مجموعه‌ی جان رینولدز کتابخانه‌ی دانشگاه منچستر، نسخه‌ی فارسی بدون تاریخی با عنوان حکایت فیروز‌شاه<sup>۵</sup> به شماره‌ی (Ms 64) نگهداری می‌شود.

---

۱. در فرجام و با پیگیری‌های بسیار مشخص شد که این کتابخانه به دلیل فقر امکانات اولیه، عاجز از تهیه‌ی تصاویر نسخه است و حتی معلوم هم نشد که نسخه‌ی مذکور ما در کتابخانه موجود است یا خیر. شوربختانه در یک جریان مداوم و پنهان انتقالی، بسیاری از نسخ فارسی این مرکز از مدت‌های قبل تا امروز ناپدید شده‌اند.

2. *Qissa-i Fairuz Šāh*

3. *Qissah-i Fīrūz Shāh* (Arberry, 2013: 13).

4. Walter Sibbald Adie

5. *Hikāyat-i Fīrūzshāh*

نسخه‌ای ۴۴ برگی هم با عنوان «قصه‌ی فیروزشاه»<sup>۱</sup> به شماره‌ی (Or. 5075) در ابعاد (۳، ۲۱ × ۱۳، ۸ سم) در مجموعه‌ی سنت پانکراس کتابخانه‌ی بریتانیا نگهداری می‌شود و فهرست‌نویس اطلاع‌دیگری از آن ذکر نکرده است.

### نسخ مفصل

پس از بررسی‌های بسیاری که تا حد توان در میان اوراق فهارس نسخ و اشارات پراکنده به عمل آوردیم، تنها سه نسخه‌ی فارسی مفصل از روایت ترجمان بیغمی مشاهده شد و تا امروز به عنایت الهی، تصاویر اوراق هر سه نسخه نیز به دست آمده و کار تصحیح آن به انجام رسیده است. امید که فرصت عرضه و انتشار آن فراهم آید.

در کتابخانه‌ی ایاصوفیه‌ی استانبول، نسخه‌ای فارسی با عنوان تاریخ فیروزشاهی<sup>۲</sup> به شماره‌ی (۳۰۵۵) در ۶۰۲ برگ نگهداری می‌شود. تعدادی از برگ‌های این نسخه که افتادگی هم دارد، در ترتیب درهم‌ریختگی دارند. توضیحات مندرج در کاتالوگ حاکی از آن است که این نسخه، جلد دوم داراب‌نامه‌ی بیغمی است که به ده‌ها مجلس تقسیم می‌شود. بخشی از این روایت با عنوان «آغاز دفتر ششم از داراب‌نامه» به ترکی ترجمه‌ی ۳۵۴ برگی بوده که در سال ۹۴۵ ق کتابت شده است و به شماره‌ی (۲۵۴) در کتابخانه‌ی چلبی عبدالله نگهداری می‌شود. شاید نسخه‌ی ترکی داراب‌نامه‌ی کتابخانه‌ی پاریس به شماره‌ی supplement 140 ارتباطی با این مورد داشته باشد؛ چون تعداد اوراق و تاریخ کتابت هر دو نسخه مشابه است.

نسخه‌ای ۲۳۰ برگی با مشخصات فیروزنامه<sup>۳</sup> به شماره‌ی (۱۰۸) در فهرست نسخ کتابخانه‌ی نوساری هند ضبط شده که توسط فردی به نام شیخ حاجی محمد روایت شده که همان «بیغمی» شناخته شده است.

1. *Qissah-'i Firūz Shāh*

2. *Tārīkh-i firūz shāhī* (Tauer, 1932: 2/3055).

3. *Firūz Nameh* (Dhābhara, 1923: 108).

در شرح آن آمده: «داستان فیروز، پسر داراب، پسر بهمن، پسر اسفندیار، پسر گشتاسپ، پسر لهراسب از شیخ حاجی محمد».

در فهرست دست‌نوشته‌های فارسی مؤسسه‌ی خاورشناسی فرهنگستان علوم روسیه، نسخه‌ای با عنوان داستان فیروزشاه بن ملک داراب به شماره‌ی (C-122) وجود دارد و تعداد اوراق آن ۱۵۰ برگ است. (آکیموشکین، ۱۳۷۵: ۱۳۱).

## ترجمه‌های داراب‌نامه

### ترجمه‌ی عربی

تحریری عربی از روایت فیروزشاه‌نامه در چهارمجلد به قلم نخله قلفاط<sup>۱</sup> با عنوان قصه‌ی فیروزشاه<sup>۲</sup> (۱۸۸۵) منتشر شده؛ ولی این روایت، تغییرات بیش و کمی از جهت محتوا و حتی صورت اسامی پیدا کرده و با وجود آنکه روایت عربی از روی یک منبع شفاهی یا گفتاری فارسی ترجمه یا تدوین شده، بر خلاف روایت فارسی، ناتمام نمانده و کامل است؛ اما در قیاس با روایت فارسی، حجم قابل توجهی ندارد. در این تحریر، خط سیر حوادث به ممالک افریقایی حبشه و سودان هم می‌رسد و فرجام کار فیروزشاه با آنچه که در بهمن‌شاه‌نامه خواهیم خواند، از جره تا مجره تفاوت دارد.

### ترجمه‌ی انگلیسی

چهل سال پیش از این، ویلیام هاناوی ترجمه‌ای انگلیسی (۱۹۷۴) بر اساس داراب‌نامه‌ی بیغمی مصحح صفا به دست می‌دهد که تا امروز محل رجوع بسیاری از مستشرقان بوده. به عنوان مثال، کومیکو یاماموتو در پژوهش خود از همین ترجمه استفاده کرده است (← یاماموتو، ۲۰۰۶: ۲۲، ۴۲، ۱۱۳).

1. Nakhlah Qalfāt

۲. نشانی دسترسی الکترونیک به کتاب:

<http://menadoc.bibliothek.uni-halle.de/ssg/content/pageview/110493>

### ترجمه‌ی ترکی

بنا بر اشاره‌ی کشف‌الظنون و تأیید صفا در مؤخره‌ی داراب‌نامه، صالح بن جلال ترجمه‌ای ترکی از این روایت را با عنوان قصه‌ی فیروزشاه برای سلطان سلیم‌خان ترتیب داده است (← صفا، ۱۳۸۱: ۲/۷۶۹).

در کتابخانه‌ی ملی پاریس، نسخه‌ای ترکی با عنوان داراب‌نامه<sup>۱</sup> از شیخ حاجی محمد بن مولانا شیخ علی، پسر تاج‌محمد معروف به پیغمبر به شماره‌ی supplement 140 نگهداری می‌شود که در سال ۹۴۵ ق کتابت شده و ۳۵۴ برگ دارد. ترجمه‌ی این روایت به دست صالح بن جلال انجام پذیرفته است. از همین مترجم در کتابخانه‌ی ملی پاریس، نسخه‌ی ترکی دیگری با عنوان داستان کتاب داراب فیروزشاه<sup>۲</sup> به شماره‌ی (A. F. 103) مشاهده می‌شود که ۲۳۴ برگ دارد و عنوان روایت در برگ [۱۲۱ ب] ثبت شده است. تاریخ تحریر این نسخه پس از کتابت نخستین آن و در سال ۱۰۸۱ ق انجام شده است. در کتابخانه‌ی مکه‌ی مکرمه ترجمه‌ای ترکی با عنوان حکایت فیروزشاه به شماره‌ی (۳۸۱) وجود دارد که تاریخ کتابت آن متأخر است و به بعد از سده‌ی یازدهم و دوازدهم بازمی‌گردد (دانش‌پژوه و افشار، ۱۳۴۶: ۵/۵۵۳). نسخه با این بیت آغاز شده است:

به نام او سخن را کردم آغاز به توفیق تو روشن کردم این راز

نسخه‌ی خطی بدون تاریخی از ترجمه‌ی ترکی قصه‌ی فیروزشاه<sup>۳</sup> در یک جلد به شماره‌ی (LI. 5. 23) در مجموعه‌ی دست‌نوشته‌های محمدان کتابخانه‌ی دانشگاه کمبریج نگهداری می‌شود. ابعاد این نسخه ۱۰۸ برگی (۲۰،۸×۱۴،۷ سم) است و به خط نسخ ترکی خوشی کتابت شده؛ ولی براون اشاره‌ای به مشخصات و جزئیات دیگر این ترجمه نکرده است.

1. *Traduction turque du roman person des aventures de Darab* (Blochet, 1932: 1/232).

2. *Roman de Darab* (Blochet, 1932: 1/42).

3. *Story of Fīrūz shāh* (Browne, 1900: 152).

در جلد چهارم از فهرست دست‌نوشته‌های ترکی کتابخانه‌ی غازی خسروبیگ ساریوو، مشخصات نسخه‌ای با عنوان مناقب فیروزشاه<sup>۱</sup> به شماره‌ی (۲۵۷۶) در ابعاد (۱۴×۲۰،۷ سم) ثبت شده؛ ولی به طور قطع نمی‌توان یقین کرد که این نسخه، ترجمان ترکی روایت فیروزشاه‌نامه باشد. این روایت، بخش دوم از مجموعه‌ای یک‌جلدی در ۴۰۹ برگ است که بخش اول آن [۱- آ - ۳۵۰ ب]، با عنوان «شرح دیوان حافظ» معرفی شده است. نسخه‌ی مذکور به خط نستعلیق و در ۵۹ برگ نوزده سطری کتابت شده است و با این عبارت آغاز می‌شود: «بعز دولت کیستی فروزشاه شجاع‌شاه شجاعک جهان بولندر بیجی دولتک قوتی حقیچون که باکسم نبود».

در همان مجلد از فهرست دست‌نوشته‌های ترکی کتابخانه‌ی غازی خسروبیگ ساریوو، نشانی نسخه‌ای با عنوان بهمن‌نامه<sup>۲</sup> به شماره‌ی (۲۳۵۰) در ابعاد (۱۵×۲۰،۵ سم) آمده است. این نسخه به خط نستعلیق و در ۱۵۹ برگ نوزده سطری کتابت شده است. فهرست‌نویس اذعان دارد که این نسخه ادامه‌ی مجلد مناقب فیروزشاه است که پیش از این شرحش رفت. در بالای برگ نخستین این نسخه آمده: «بهمن‌نامه جلد رابع».

آغاز روایت:

داری ایدردکم اولزمان بلابل زنگی اول ملعون بنکی چون ملک قاص  
وزیری شمشارقى اولدردی پیل دهان کبی تخته سوار اولوب تاج ملک  
قاص باشنه کیدی....

پایان روایت:

خدمت گزاری در کره کی کبی ادا اولنه دیوب سوار اولدی و سپاه زلزاله  
ایرشون خبر آلمق قصدنه عزم ایدوب روان اولدی.

1. *Menâkib-i Firuz Şâh* (Nametak, 1998: 4/166).

2. *Behmennâme* (Nametak, 1998: 4/232).